

هو العالم

مرکز آموزشهای غیر حضوری حوزه علمیه خواهران

عنوان تحقیق:

اصول اخلاقی طلاق از نظر قرآن کریم

نام و نام خانوادگی محقق:

مریم دادپی

کد طلبگی محقق : ۸۹۱۳۱۱۰۷۹۳

سطح و گرایش تحصیلی : سطح ۳- تفسیر و علوم قرآنی

عنوان درس : تفسیر موضوعی ۵

نام استاد مربوطه : استاد محمد علی محسن زاده

نیمسال دوم ۹۳-۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این تحقیق با هدف آشنایی با اصول اخلاقی طلاق از نظر قرآن کریم است و در آن تلاش گردیده تا به این سوال پاسخ داده شود که آیا طلاق از نظر قرآن دارای اصول اخلاقی است. روش بکار رفته در این تحقیق به صورت تحلیل محتوا و نقلی است که برای حل این مسئله با روش کتابخانه ای مباحث مورد نظر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که البته بیشتر با قلم نویسنده است.

از مهمترین یافته های این تحقیق می توان به این مطلب اشاره نمود که طلاق به معنای جدا شدن زن از مرد و باطل شدن عقد نکاح است. مسئله طلاق گرچه امری ناپسند است و زن و مرد دچار اختلالات روانی می گردند و اسلام آن را منفورترین حلال ها قرار داده است اما اسلام به عنوان کامل ترین دین آن را با شرایط انسانی و اخلاقی به عنوان آخرین راه قرار داده است و با شرایطی آن را تجویز نموده که عبارت است از صلح و گذشت، مشاور و مراجعه به حاکم.

در این صورت است که قرآن اصول اخلاقی طلاق را تجویز می نماید و زوجین را ملزم به رعایت این امور می نماید که به اختصار عبارتند از: ترویج فرهنگ مهربانی و نیکوکاری، صداقت، تقویت روحیه اصلاح، پرهیز از ضرر رساندن، عفو و گذشت، تامین آسایش اقتصادی، پرهیز از کارشکنی، تربیت فرزند، پرورش روح امید که در این نوشتار به این مطالب اشاره شده است.

کلید واژه ها: اصول اخلاقی- طلاق- طلاق در قرآن.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۲	مباحث لغوی و اصطلاحی
۳	فلسفه طلاق
۳	۱. صلح و گذشت
۴	۲. مشاور
۴	۳. مراجعه به حاکم
۵	اصول اخلاقی طلاق در قرآن
۵	۱. ترویج فرهنگ مهربانی و نیکوکاری
۶	۲. صداقت
۷	۳. تقویت روحیه اصلاح.....
۷	۴. پرهیز از ضرر رساندن
۸	۵. عفو گذشت
۸	۶. تامین آسایش اقتصادی
۹	۷. پرهیز از کارشکنی
۹	۸. تربیت فرزند
۱۰	۹. پرورش روح امید
۱۱	نتیجه
۱۲	منابع

بحث ما در این تحقیق اصول اخلاقی طلاق از نظر قرآن کریم است. یکی از موضوعاتی که در ذهن هر انسان کنجکاوی می تواند وجود داشته باشد آن است که می خواهد بداند در قرآن چه اصول اخلاقی برای طلاق بیان شده است. این موضوع را در کتاب هایی می توان یافت مانند: تفسیر نمونه، تفسیر المیزان، تفسیر مجمع البیان و اما کتاب جامعی که تمام نظرات در آن باشد رویت نشده است. پس می طلبد تحقیقی ارائه شود تا جوابگوی ذهن پرسشگر محققان باشد و روشن شود که آیا قرآن دید اخلاقی به مسئله طلاق دارد؟

محقق برآن بوده است تا با روش تحلیل محتوا و نقلی به حل این مسئله بپردازد و با روش کتابخانه ای و قلم خود مباحث مورد نظر را مورد تجزیه و تحلیل قرار بدهد تا به اثبات برسد که مسئله طلاق گرچه امری ناپسند است ولی قرآن اصول اخلاقی طلاق را تجویز می نماید و زوجین را ملزم به رعایت این امور می نماید تا در سایه این اصول اخلاقی عزت نفس و آرامش یک مسلمان حفظ گردد.

بر عهده دارد بلکه باید حساب عده ی او را نیز داشته باشد فلسفه ی آن به این خاطر است که مرد تمایل به زندگی خود پیدا کند و زندگی زناشویی را مجددا شروع نماید. در تفسیر نمونه آمده است: «مخاطب به نگهداری حساب عده، مردان هستند، این به خاطر آن است که مساله "حق نفقه و مسکن" بر عهده آنها است، و همچنین "حق رجوع" نیز از آن آنان است، و گرنه زنان نیز موظفند که برای روشن شدن تکلیفشان حساب عده را دقیقا نگه دارند.»^۱

۷. پرهیز از کارشکنی

یکی دیگر از آموزه های اخلاقی طلاق این است که زن و مرد زمانی که از یکدیگر جدا می شوند دارای مشکلات روحی می شوند و احتیاج به زندگی مجدد پیدا می کنند. براین اساس نباید اطرافیان به دلیل منافع شخصی و یا بغض از طرف مقابل مانع برقراری زندگی مجدد آن ها شوند. بلکه باید با واسطه گری و مشاوره صحیح سبب نزدیک شدن قلوب آن ها به یکدیگر شوند. در آیه ۲۳۲ سوره بقره^۲ براین مطلب اشاره شده است. باید توجه داشت که بیان مسئله اخلاقی بر مردم بر اساس ایمان به خدا و روز قیامت است. پس بر مومنین واجب است که این مسائل را محور اصلی زندگی خود قرار دهند و در را تعالی آن قدم بردارند.

۸. تربیت فرزند

در آیه ۶ سوره طلاق^۳ براین مطلب تکیه دارد که جدا شدن زن و مرد به منزله ی نابودی و رها کردن فرزندان نیست به گونه ای که آنان در آتش غضب و اختلاف والدینشان بسوزند و به دست فراموشی سپرده شوند. بلکه زن و مرد باید در مورد وضعیت فرزندشان از روی انصاف با یکدیگر مشورت نمایند و تمام سعی خود را در تربیت فرزندشان به کار ببرند. در تفسیر نور آمده است: «این آیه به مسئله حفظ حقوق و حریم زن، حمل او، تغذیه کودک، شیربها و دایه

^۱ تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۲۴، ص ۲۲۱

^۲ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَيْسَ بِالْجَلَّاهُنَّ هُنَّ أُنَّ يَكُونُ أَرْوَاجُهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ... بُوَ زَمَانِي كَهَ زَمَانِي رَا طَلَّاق دَادِيد، وَ بَه پَایان عَدَه خُود رَسیدند، اَنان رَا از ازدواج با شوهران سابق خود در صورتی که میان خودشان به روشی شایسته و متعارف توافق کنند باز مدارید... .

^۳ أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِنُضَيْفُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ لِحَافٍ تَفَقُّوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ لَمُرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَ إِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَمَنْزُوعٌ لَهُ أُنْخَرَى: زَنان طَلَّاق دَادَه رَا [تَا پَایان عَدَه] بَه اَندازَه تَوانگَری خُود اَنجا سَكُونَت دَهِید کَه خُود سَكُونَت دَارید وَ بَه اَنان [دَر نَفَقَه وَ مَسکَن] اَسیب وَ زیان نَرسانید تا زَنگی رَا بَر اَنان سَخَت وَ دَشوار کَنیند [وَ اَنان مَجبور بَه تَرک خانَه شُونَد]، وَ اَگر باردار باشَنَد، هَزینَه اَنان رَا تا زَمانی کَه وَضَع حَمَل کَنند، بَپردازید وَ اَگر [پَس از جَدایی] کُودک شَما رَا شَیر دادَند اَجرتشان رَا بَدَهِید، وَ دَر مِیان خُود [دَربارَه فرزند] بَه نِیکی وَ شایستگی مَشُورت کَنیند [تَا بَه تَوافقی عادِلانَه بَرسید وَ دَر نَتیجَه بَه حَقِّ زَن وَ شوهر وَ فرزند زیانی نَرسَد] وَ اَگر [کارتان دَر اَین زَمینَه] با یَکدیگر بَه سَخَتی کَشید [بِه نَهایتاً بَه تَوافقی نَرسیدید] زَنی دِیگر کُودک رَا [بَا هَزینَه پَدَر] شَیر دَهد.

گرفتن در صورت طلاق اشاره دارد. در این آیه پنج فرمان آمده است که تمام آنها فرامین عاطفی و عقلی بوده و بستری برای بازگشت به زندگی است». لذا منافع فرزند برای اسلام مهم است و از حق او به خوبی دفاع می نماید.

۹. پرورش روح امید

در بین آیات مربوط به طلاق به این نکته می رسیم که اگر اصول اخلاقی طلاق مورد نظر قرار گیرد و فرد به خداوند توکل کند روح امید در او زنده می گردد و روزی او از جایی که حساب نمی کند مقدر می گردد. در آیه ۳ سوره طلاق^۱ و همچنین در آیه ۱۳۰ سوره نساء^۲ به این مطلب اشاره شده است. بنابراین اگر دو طرف نتوانند با یکدیگر زندگی کنند و راهی جز جدایی نداشته باشند مجبور نیستند چنین زندگی را ادامه دهند بلکه با توکل بر فضل و رحمت خداوند می توانند از یکدیگر جدا شوند و بعد از طلاق روح امید به آینده در بین آنان قرار می گیرد. در این باره در مجمع البیان آمده است: «اگر هر کدام از آنها از مصلحت دیگری امتناع کند، بطوری که زن حق خود را در مورد قسمت و نفقه و لباس و حسن معاشرت، بطور کامل بخواهد و مرد هم از اجابت او خودداری کند و کار آنها بطلاق و جدایی بکشد، خداوند از فضل و روزی بیکران خود هر دو را بی نیاز می گرداند».^۳

^۱ وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا: و او را از جایی که گمان نمی برد روزی می دهد، و کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است، [و] خدا فرمان و خواسته اش را [به هر کس که بخواهد] می رساند؛ یقیناً برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است.

^۲ وَإِنْ يَنْفَرَقَا يُغْنِ اللَّهُ كِلَاهُمَا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا: و اگر [زن و شوهر راهی برای صلح و سازش نیافتند و] از یکدیگر جدا شوند، خدا هر يك را از توانگری خود بی نیاز می کند؛ و خدا همواره بسیار عطا کننده و حکیم است.

^۳ ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، مترجمان، ج ۶، ص ۸۲

با تمسک به آیات قرآن در رابطه با طلاق به این نتیجه می‌رسیم که از دیدگاه اسلام طلاق دارای اصول اخلاقی است و حد و مرزی دارد که هر یک از زوجین ملزم به رعایت آن هستند و با رعایت این اصول عواقب تلخ طلاق و اثرات نامطلوب آن بر زوجین تقلیل پیدا می‌کند.

در این تحقیق سعی بر این بوده تا با اصول اخلاقی طلاق از نظر قرآن آشنا شویم تا این معضل اجتماعی در مسیر اصلی و ارزشمند خود قرار بگیرد و زوجین ملزم به رعایت این امور شوند و امید است تا در سایه این اصول طلاق کاهش پیدا کند و بنابر نظر اسلام به عنوان آخرین راه قرار بگیرد. بر این اساس به اختصار به این اصول اشاره می‌شود که عبارتند از: ترویج فرهنگ مهربانی و نیکوکاری، صداقت، تقویت روحیه اصلاح، پرهیز از ضرر رساندن، عفو و گذشت، تامین آسایش اقتصادی، پرهیز از کارشکنی، تربیت فرزند، پرورش روح امید که در این نوشتار به این مطالب اشاره شده است.

*القرآن الکریم.

۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۲. ترجمه تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبائی، محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۳. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، مترجمان، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
۴. تفسیر راهنما، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
۵. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۶. جواهر الکلام، محمد حسین نجفی، قم، انتشارات الاسلامی، ۱۳۶۶.
۷. قاموس قرآن، علی اکبر قرشی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱.
۸. مجمع البحرین، فریدالدین طریحی، قم، موسسه البعثه، بیتا.
۹. المفردات الفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، دمشق، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.

